

شهید آرام

زندگی نامه و خدمات سردار سرتیپ پاسدار شهید حاجی رضا هاشمی

رضا بهرامی

www.ketab.ir

سرشناسه : بهرام پور، رویا، ۱۳۶۰ -
 عنوان و نام پدیدآور: شهید آرامش / رویا بهرام پور.
 مشخصات نشر: بجنورد: در قلم، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.: مصور.
 شابک: ۳-۲۶-۸۲۲۵-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: هاشمی، رضا، ۱۳۶۵-۱۳۴۲.
 موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- سرگذشتنامه
 موضوع: Iran-Iraq War، ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Martyrs -- Biography
 موضوع: شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات
 نوع: Diaries -- Survivors -- Iran -- Martyrs
 رده بندی کنگره: ۹۱۳۹۵ ب۹۱۷۳۵/ا/۱۶۲۶ DSR
 رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۱۸۸۷۲

شهید آرامش

نویسنده: رویا بهرام پور

صفحه آرایی و جلد: انتشارات در قلم (حمید رضازاده)

ناشر: انتشارات در قلم

شابک: ۳-۲۶-۸۲۲۵-۶۰۰-۹۷۸

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان



۰۹۳۵۳۴۶۳۹۱۴-۰۹۱۵۸۸۵۸۲۹۸

Dor.Ghalam.Pub@gmail.com

فهرست مطالب

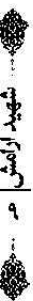
۹	مقدمه
۱۱	زندگی نامه سردار سرتیپ سدار شهید حاجی رضا هاشمی
۲۵	اولین حضور
۳۰	اصرار
۳۱	احداث و آبادانی
۳۲	طرح
۳۳	اعزام
۳۴	جنگل امقر
۳۶	امانت داری
۳۷	نماز
۳۸	چنگوله
۳۹	کمک
۴۰	احترام به کوچکتر و بزرگتر
۴۱	جابجایی
۴۲	خنده و شوخی
۴۳	مجروحیت

۴۶	شجاعت
۴۷	خرید
۴۸	خط مقدم
۴۹	راز و نیاز با خدا
۵۱	آر پی جی
۵۳	دستا
۵۷	معلم گدازه
۵۸	کوه
۵۹	آخرین مهمانی
۶۰	آخرین دیدار
۶۱	شیمیایی
۶۳	فداکاری و ایثار
۶۵	مبارزه تن به تن
۶۷	آخرین مرخصی
۶۸	فرمانده دلسوز و آینده نگر
۷۰	لباس کفن
۷۱	خواب
۷۳	تشییع
۷۶	وصیت نامه سردار سرتیپ پاسدار حاجی رضا هاشمی
۸۱	تصاویر

به نام دوست

مقدمه

زیبایی‌های تو را در چار چوب آسمان قاب گرفتیم و نگاهمان به آسمان برایت پر خواهد کشید. من روزها را برای قدم‌های شما پرندگان عاشق اسیر خواهم کرد تا لحظه‌ای فقط لحظه‌ای دوباره به زمین باز گردید و زمین را معطر کنید؛ بلند بالا و زیبا بر زمین افتادید، و چه با غرور اشک‌هایتان را در پس قلب‌تان پنهان کردید آیا به یاد دارید دست‌های آسمانی مادرتان را که، بوی نان داغ و گندم درو شده می‌داد.



شماها همگی بوی فاطمه زهرا (علیها السلام) را در گوشه گوشه‌ی سنگرتان نفس
 می‌کشیدید، و قدم‌هایتان عشق را در باران معنا می‌کرد بهارنارنج‌های
 اول بهار حکایت بوی یوسف، و بوی باران، می‌دهد پدرم از شما می‌گفت،
 آن چنان با شور می‌گفت، که جانم لبریز عشق می‌شد. من قهرمان ایرانم
 را در شامچه، فکه، و دو کوهه می‌بینم قهرمان همه دورهای مردانگی
 را در سایه حاجی رضاها می‌بینم ما باران نشده‌ایم اما باران‌های زیادی
 دیده‌ام. برایتان می‌نویسم، که چقدر با شکوه هستید برایتان از چشم
 به راه ماندن برایتان می‌نویسم که ناله‌هایشان در همه دل‌ها لرزه می
 ندازد، مادرانی استوار و زینب گونه، برایتان از کودکان چشم به راهتان
 می‌نویسم. و از تو حاجی، می‌نویسم که چقدر عاشقانه بوی یوسف
 می‌دهی، از روستایت از گندم و زردیر برکت سادگی پدرت، و از قلب پر از
 مهرت می‌نویسم. من تو را برای همه می‌نویسم تا بدانند حاجی رضای
 قصه‌ی ما هنوز در ترنم باران و رحمت تمام خدا زندگی می‌کند و او
 رحمتی بود از جانب خدا ...